



Maternal Quranic Criterion Based on New Medical Issues

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Mortazi A.*¹ PhD,
Ghasemei R.¹ MA

How to cite this article

Mortazi A, Ghasemei R. Maternal Quranic Criterion Based on New Medical Issues. Journal of Quran and Medicine. 2019;4(2):87-93.

ABSTRACT

Introduction New reproductive practices on the one hand and the combination of the role of the mother, contrary to the role of the father on the other hand, has made it difficult for the mother to determine the origin of children born of these methods, because the role of the mother is not only in inoculation, but also she is responsible for the development of the fetus in the womb and giving birth. Based on this, the purpose of the present study was to explain the maternal criterion in children born of reproductive methods such as human simulation and donation of oocytes, embryo donation and uterine donation. In collecting the data and information, the documentary and library methods were used and analysis of the information obtained from the sources of narrative, Quranic and jurisprudential texts, qualitatively and based on the inference of the researchers was done.

Conclusion By reflecting on the Quranic verses related to maternal criterion and the word of jurists, especially contemporary Shi'a jurists, it is clear that the mother's criterion in man through simulation is different from other new fertility methods, and the mother of the child born from the simulation is the mother of stem cell owner. In children born of oocyte donation, embryo donation, and uterine donation, maternal criterion is ovum and its owner is the relative mother of the child and the womb owner has a significant role in the development of the baby until delivery. She is in the judgment "Rezaei" mother.

Keywords Mother; Human Simulation; Ovum Donation

¹Jurisprudence & Islamic Law Department, Theology Faculty, Tabriz University, Tabriz, Iran

*Correspondence

Address: Theology & Islamic Sciences Faculty, Tabriz University, 29 Bahman Street, Tabriz, Iran. Postal Code: 5166616471.

Phone: +98 (41) 33392239

Fax: +98 (41) 33377471

a.mortazi@tabrizu.ac.ir

Article History

Received: March 11, 2019

Accepted: April 09, 2019

ePublished: June 20, 2019

CITATION LINKS

[1] Shi'a methods (Wasael al-Shi'a) [2] Human simulation of the Shia perspective [3] Way of rescue (Seraat al-nejat) [4] Selected views (Al-fatava al-montakhabah) [5] Medical issues (Al-masael al-tebbiyah) [6] Lights of jurisprudence (Anvaar al-fiqahat) [7] Embryo division and simulation [8] Jewellery remarks (Javaher al-kalam) [9] Beautiful garden (Al-rouzah al-bahiyah) [10] Beautiful garden (Al-rouzah al-bahiyah) [11] A look at the subject of human simulation with the help of new technology [12] New questions [13] Human cloning, divine religious authorities point of views and Islamic jurisprudence [14] Beyond jurisprudence (Maa wara' al-fiqh) [15] Treatise on explaining issues [16] Way of rescue (Seraat al-nejat) [17] Arab language (Lisan al-arab) [18] The correct in vocabulary (Al-sehaah) [19] Rewrite the book al-wasilah (Tahrir al-vasilah) [20] Ways of understanding (Masaalek al-afhaam) [21] Talks in Shia jurisprudence (Mohazeron fi fiqh al-imamiyah) [22] Details of Sharia-marriage (Tafsil al-shariat-nikaah) [23] Jurisprudence of medicine and monetary inflation (Fiqh al-tibb va al-tazakhom al-naghdi) [24] Medical fertilities from the point of view of jurisprudence and law [25] Maternal family of a child born of embryo donation in Iranian law [26] Marriage book (Kitaab al-nikaah) [27] The enough (Al-kaafi) [28] Jurisprudence and medical issues (Al-fiqh va masayil tibiyah) [29] Medical religious provisions [30] Shari'a tricks and correct solutions [31] Expanded description in Shi'a jurisprudence (Al-Mabsut fi fiqh al-Imamiyah)

معیارشناسی قرآنی مادری با تکیه بر مسایل نوپیدای پزشکی

احمد مرتاضی* PhD

گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

رقیه قاسمی MA

گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

چکیده

مقدمه: نوبودن شیوه‌های تولیدمثل از یک سو و ترکیبی بودن نقش مادری برخلاف نقش پدری از سوی دیگر، تعیین نسب کودکان متولد از این شیوه‌ها را از جهت مادر، دشوار ساخته است؛ چرا که نقش مادر فقط در تلقیح، خلاصه نشده، بلکه پرورش جنین در رحم و وضع حمل نیز بر عهده اوست. بر این پایه، هدف پژوهش حاضر، تبیین ملاک مادری با استناد به منابع قرآنی و روایی و آرای فقیهان در موارد انسان حاصل از شبیه‌سازی و کودکان متولد از روش‌های اهدای تخمک، اهدای جنین و اجاره رحم بود. در گردآوری داده‌ها و اطلاعات مربوط به مطالعه پیش رو، از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شد و تجزیه و تحلیل اطلاعات کسب‌شده از منابع روایی، قرآنی و متون فقهی، به‌صورت کیفی و مبتنی بر استنتاج محققان از آنها بود.

نتیجه‌گیری: با تامل در آیات قرآنی مربوط به ملاک مادری و نیز کلام فقیهان به‌ویژه فقه‌های معاصر شیعه، روشن می‌شود که ملاک مادری در انسان حاصل از شبیه‌سازی، با دیگر شیوه‌های باروری نوین، تفاوت اساسی دارد و مادر کودک متولد از شبیه‌سازی نه خود صاحب سلول بنیادین، بلکه مادر صاحب سلول است. در کودکان متولد از روش‌های اهدای تخمک، اهدای جنین و اجاره رحم، ملاک مادری، تخمک بوده و صاحب آن، مادر نسبی کودک قلمداد می‌شود و اهداگیرنده و صاحب رحم که نقش بسزایی را در رشد و پرورش جنینی کودک تا زایمان بر عهده داشته، در حکم مادر رضاعی اوست.

کلیدواژه‌ها: مادر، شبیه‌سازی انسان، اهدای تخمک

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۰

*نویسنده مسئول: a.mortazi@tabrizu.ac.ir

مقدمه

داشتن فرزند احساس و تجربه‌ای خوشایند است، علاوه بر آن انسان تمایل به بقای نسل دارد. این نیاز هر چند غیرجسمانی است، ولی بدون داشتن سلامت جسمانی امکان‌پذیر نیست. اگر هر یک از زن و مرد از چنین سلامتی برخوردار نباشند فرصت تولیدمثل را با وجود تمایلشان به این امر از دست خواهند داد. از این رو جامعه پزشکی در تلاش است تا با استفاده از راه‌های گوناگون از جمله شبیه‌سازی، اهدای جنین، اهدای تخمک و غیره مشکل نداشتن فرزند را برای زوجین نابارور برطرف کند و به این نیاز او پاسخ دهد. اما این تلاش‌ها گاه با محاذیر و شبهات شرعی و قانونی مواجه می‌شود، به‌طوری که شاید روند پیشرفت آن را کندتر نماید. از جمله این شبهات، شناخت ملاک مادری در مورد فرزندان متولد از تکنیک‌های باروری مذکور است؛ چرا که نقش مادری، برخلاف پدری، تنها در تلقیح نطفه، محدود نشده بلکه پرورش جنین در طول دوران بارداری نیز بر عهده مادر است و این ترکیب در مراحل تولیدمثل و رشد و

زایمان، شناخت مادر واقعی چنین کودکانی را دشوار می‌سازد. لذا هدف پژوهش حاضر، تبیین ملاک مادری با استناد به منابع قرآنی و روایی و آرای فقیهان در این موارد بود.

مقاله پیش رو از نظر هدف، از نوع کاربردی بوده و از نظر روش بررسی، به شکل توصیفی-تحلیلی است. در ابتدا نگارنده به شیوه کتابخانه‌ای به گردآوری مطالب و نوشته‌هایی که در این زمینه توسط نویسندگان فقهی نگاشته شده، اقدام نمود. پس از آن، مطالب فیش‌برداری و جمع‌آوری شده، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و نقاط قوت و ضعف هر یک از این نظرات بیان شد. در توصیف علمی و تحلیل محتوی، براساس قواعد منطقی به موضوع پژوهش پرداخته شد تا در نتیجه، به بهترین نظرها رسیده و ابهامات موجود و جایگاه واقعی موضوع را شناخته و ارایه نماییم. برای پاسخ به سئوالات تحقیق و در نهایت، رسیدن به فرضیه‌های موجود، هر یک از شیوه‌های نوین تولیدمثل با محوریت نقش مادری، به‌صورت جداگانه، طرح و با ملاک‌های قرآنی و فقهی، تطبیق شد و در پایان، مطالب و رؤس مرتبط با هم دسته‌بندی شده و نظریات مختلف به چالش کشیده شدند.

معیار مادری در شبیه‌سازی انسانی

شبیه‌سازی که در حقیقت فرآیند به‌وجودآمدن یک موجود زنده جدید از یک موجود زنده دیگر به طریق غیرجنسی است، یک تکنولوژی نوظهور است که دریچه‌ای نو به روی جامعه بشری باز می‌کند. شبیه‌سازی انسانی نیز یک نوع فرآیند غیرجنسی است که طبق آن هسته سلول غیرجنسی به‌طور مستقیم در درون تخمک تخلیه‌شده زن تزریق می‌شود و سلول تخم که در حالت عادی، نزد بشر به شکل جنسی صورت می‌گیرد و اسپرم مرد و تخمک زن در رحم آن را تشکیل می‌دهند در شبیه‌سازی، بدون دخالت اسپرم مراحل رشد خود را آغاز می‌کند و تخمک زن نیز در ساخت جنین نقش اساسی ندارد، چون هسته‌اش برداشته شده و تنها نقش پرورش جنین را بر عهده دارد.

این روش به‌طور طبیعی در بسیاری از موجودات ساده مثل باکتری و قارچ و غیره اتفاق می‌افتد، ولی در مورد جواز و عدم جواز شبیه‌سازی انسانی نظر فقها متفاوت است. فقهای اهل سنت شبیه‌سازی در حیوانات و گیاهان را مجاز می‌دانند، ولی در انسان اجماعاً به عدم مشروعیت و حرمت آن رای داده‌اند. فقهای شیعه نیز هر چند در مورد گیاهان و حیوانات اتفاق نظر بر جواز آن دارند، اما در انسان اختلاف نظر داشته‌اند. در این مورد چهار دیدگاه به چشم می‌خورد:

عده‌ای آن را مطلقاً جایز شمرده‌اند و دلیلشان هم نبود نص خاص دال بر حرمت شبیه‌سازی و همچنین قاعده "کل شیء لک حلال حتی تعلم انه حرام بعینه فندعه"^[1] است و نیز استناد به اصل اباحه، نموده‌اند. از جمله معتقدان آن، حضرات آیات عظام سیستانی، موسوی اردبیلی، عزالدین زنجانی و فاضل لنکرانی هستند.^[2]

اشتباه شود؛ در حالی که بنا به شهادت کارشناسان مهندسی ژنتیک که عرف خاص این رشته محسوب می‌شوند چنین چیزی خطاست و در اصل پدر و مادر صاحب سلول به‌عنوان پدر و مادر این فرزند محسوب می‌شوند و صاحب سلول و فرزند شبیه‌سازی شده دوقلوی هم هستند، مثل این که دو سلول لقاح‌یافته را بگیریم و به یکی اجازه رشد دهیم و سلول دیگر را سال‌ها نگه داریم و بعدها آن را فعال کنیم؛ یعنی با استناد به عرف خاص که همان متخصصان رشته جنین‌شناسی و مهندسی ژنتیک هستند باید پدر و مادر صاحب سلول را پدر و مادر فرزند شبیه‌سازی شده به حساب آورد و در واقع این بچه را دوقلوی صاحب سلول محسوب کرد و زن صاحب رحم را در حکم مادر رضاعی به شمار آورد^[10]. ایشان برای اثبات نظریه خویش استدلال‌های خود را چنین بیان می‌دارند:

اولاً از طریق اصل اباحه؛ به این طریق که تا زمانی که حرام بودن ثابت شود، اصل بر اباحه و جواز است^[11].

ثانیاً با توجه به این که مفاهیم مرتبط با نسب فاقد حقیقت شرعی هستند، برای پی‌بردن به این مفاهیم باید به اصول مسلم علم ژنتیک به‌عنوان عرف خاص رجوع کرد. آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در پاسخ به سئوالی در این خصوص می‌فرمایند که در امور ساده نظر عرف مهم است و در موارد پیچیده نظر اهل خبره اهمیت دارد^[12].

ثالثاً دوقلو فرض گرفتن دهنده سلول و کودک از بسیاری مشکلات عدم تعیین نسب و عدم تعیین پدر و مادر پیشگیری می‌کند و صاحب رحم هم حکم مادر رضاعی کودک را دارد، زیرا همان گونه که اگر زنی به فرزند دیگری چندمرتبه شیر دهد تا استخوان او محکم شود و گوشت بر تنش بروید به‌عنوان مادر رضاعی او به حساب خواهد آمد، در ما نحن فیه نیز از آنجایی که فرزند را چند ماه در رحم نگهداری می‌کند و فرزند از وجود آن زن تغذیه و رشد می‌کند به طریق اولی حکم مادر رضاعی را خواهد داشت^[10, 13].

نظریه وجود نسب و دلایل آنها کامل است و با توجه به آنها می‌توان پذیرفت که فرزند شبیه‌سازی شده دوقلوی کسی است که از او سلول غیرجنسی گرفته شده است و بر همین اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت که مادر صاحب سلول، مادر مشترک صاحب سلول و انسان شبیه‌سازی شده، محسوب می‌شود.

معیار مادری در انسان حاصل از تخمک اهدایی

استفاده از تخمک اهدایی نیز یکی از روش‌های کمکی تولیدمثل است که زمینه باروری خانواده‌های نابارور را فراهم می‌کند. این روش زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که عامل زنانه در ناباروری مؤثر باشد و امکان استفاده از سایر روش‌های کمکی تولیدمثل نیز فراهم نباشد. در این صورت می‌توان با استفاده از تخمک اهدایی زوج نابارور را فرزنددار نمود.

استفاده از این شیوه زمانی است که شوهر دارای اسپرم سالم و متحرک به اندازه کافی باشد، اما زن فاقد تخمک است یا تخمک با قابلیت باروری ندارد، که در این صورت زن دیگری تخمک خویش را اهدا می‌کند و سپس در بیرون و محیط آزمایشگاهی لقاح بین

گروهی دیگر از فقها و صاحب‌نظران، به حرمت شبیه‌سازی نظر داده‌اند؛ یعنی به‌عنوان فعلی که به خودی خود حرام است معرفی می‌کنند و آن را به‌عنوان اولی، نامشروع می‌دانند. قائلان این گروه اندک هستند؛ از جمله آنان آیت‌الله تبریزی است که دلیل خویش را با این بیان اظهار داشته‌اند که تمایز و تفاوت میان ابنای بشر ضرورتی است برای جوامع انسانی و مقتضای حکمت خدای سبحان است^[3].

گروه سوم نیز به حرمت ثانوی آن اعتقاد دارند و بر این نظرند که شبیه‌سازی انسانی فی‌نفسه اشکالی ندارد و به استناد اصالة الاباحه جایز است، ولی برای پیشگیری از مفساد بعدی آن، حرام است. آقایان سیدکاظم حائری، سیدصادق شیرازی و آیت‌الله مکارم شیرازی از این نظر حمایت می‌کنند؛ سیدکاظم حائری به‌خاطر لوازم باطل آن، شبیه‌سازی انسانی را حرام دانسته است^[4]. آیت‌الله سیدصادق شیرازی می‌فرماید: این کار به خودی خود کشفی علمی و مجاز است، ولی از آنجایی که مستلزم امور غیرجایزی مانند اختلال نظام طبیعی است، فعلاً در چارچوب شرایط معاصر جایز نیست^[5]. آیت‌الله مکارم نیز این کار را برای جامعه بشری خطرناک می‌داند و به‌عنوان ثانوی آن را حرام اعلام کرده‌اند^[6].

برخی نیز قائل به جواز محدود و موردی آن هستند و بر این نظرند که انجام گسترده آن مشکلاتی مانند وجود افراد همانند و دشواری بازشناسی آنها از همدیگر را فراهم می‌آورد و در نتیجه حکم به جواز موردی و عدم جواز در سطح کلان داده‌اند، هر چند معتقدند ولی فقیه می‌تواند این کار را بنا به مصالحی و به‌عنوان حکم حکومتی حرام اعلام کند که در این صورت حرمت موقت و قابل رفع خواهد بود^[7].

از جواز یا عدم جواز این تکنولوژی که بگذریم، بحث موضوع نسب یکی از چالش‌ترین مسایل حقوقی در شبیه‌سازی انسانی است و مباحث دیگر مثل نکاح، محرمیت، توارث، نفقه و حضانت متفرع بر این موضوع هستند. در مورد نسب ناشی از شبیه‌سازی نیز نظرات متفاوتی وجود دارد:

برخی به‌دلیل فقدان لقاح، قائل به عدم نسب هستند، زیرا از نطفه مرد نیست و با نطفه مادر هم ترکیب نشده و در رحمی پرورش یافته که مادرِ جانشین است^[6]. البته این دیدگاه قابل نقد است، زیرا فقدان نسب فقط در صورت زنا مطرح شده است و در غیر از زنا چیزی به نام فقدان نسب معنی ندارد^[8] و شبیه‌سازی نیز جزء موارد زنا به حساب نمی‌آید، زیرا در تعریف زنا گفته شده است: "هو ایلاج الذكر البالغ العاقل فی فرج امرأة محرمة من غیر عقد و لاشبهة قدر الحشفة عالماً مختاراً"^[9]. با این وصف باید گفت در شبیه‌سازی نسب وجود دارد.

گروهی نیز معتقد به وجود نسب هستند و دلیلشان درک عرف عام است و در صورت مذکربودن صاحب سلول، به‌عنوان پدر و در صورت مونث‌بودن، به‌عنوان مادر محسوب می‌شود^[4]. بر این عده نیز نقد وارد است که چگونه فهم عرف عام می‌تواند در موضوعات نوین قابل اعتماد و استناد باشد، چون ممکن است عرف عام دچار خطا و

وَلَدْنَهُمْ؛ و صاحب نطفه پدر کودک است و زوجه او مادر کودک نیست... [16].

این استدلال‌ها صحیح نیست، زیرا هر چند وجود کودک در رحم مادر است و مادر عهده‌دار بارداری و زایمان است، ولی به نظر می‌رسد این آیات ناظر به عنوان مادر در روند عادی تولیدمثل است و نمی‌توان مدعی شد که در مقام بیان تمام انواع تولیدمثل است و در مورد این که با استفاده از تخمک‌های نیز مادر محسوب شود نیازمند دلیل است. همچنین واژه "ام" به معنی اصل و ریشه هر چیز است [17, 18] که اعم از والده و حامل است، مثلاً ام‌الفساد یعنی اصل و ریشه فساد، پس برای تشخیص "ام" باید اصل و ریشه طفل پیدا شود و نمی‌توان گفت رحم، اصل و ریشه طفل است.

دیدگاه دیگر صاحب تخمک را مادر واقعی جنین می‌داند. از دید این گروه ملاک مادر بودن مانند پدر بودن است؛ یعنی همان گونه که پدر از طریق اسپرم در تشکیل جنین نقش ایفا می‌کند، مادر نیز از راه تخمک در شکل‌گیری آن موثر است. استدلال ایشان نیز این است که تخمک در نخستین مرحله وجود کودک دخالت داشته و نطفه جنین از ترکیب تخمک با اسپرم به وجود آمده است و زن صاحب رحم فقط نقش استمرار دارد. برخی از فقها نیز با استناد به تکوین طفل از تخمک و اسپرم معتقدند مادر، زنی است که صاحب تخمک است [19]. دلایل قرآنی نیز بر این دیدگاه ارایه شده است، از جمله: "مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ" (سوره انسان، آیه ۲). این آیه با اشاره به نطفه حاصل از ترکیب اسپرم و تخمک مرد و زن، ایجاد انسان را مبتنی بر نطفه می‌داند که مخلوطی از اسپرم و تخمک است [20-22]. این موضوع که منشأ پیدایش فرزند غیر از زایمان و حمل است، در آیه ۵۴ سوره فرقان نیز مورد تأیید شارع مقدس قرار گرفته است و نسب، نتیجه پیدایش و ثمره نطفه قلمداد شده است: "وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَ كَانَ رُبُّكَ قَدِيرًا". البته باید گفت مقایسه اسپرم مرد با تخمک زن از جهت انتساب طفل به آنها قیاس مع الفارق است، چون پدر فقط از راه سلول جنسی اسپرم با کودک ارتباط دارد و نقش دیگری در تکون او ندارد، اما زن علاوه بر دادن سلول جنسی تخمک، جنین را نیز تا زمان تولد در رحم خود رشد می‌دهد و این مقایسه زمانی صحیح خواهد بود که سلول جنسی هر دو گرفته شده و در بیرون از رحم و در محیط آزمایشگاه پرورش داده شود.

دیدگاه برخی نیز بر این است که هر دو زن مادر هستند. قائلین به این دیدگاه بر این باورند که صاحب تخمک و صاحب رحم هر دو مادر مشروع تلقی می‌شوند. چون روایات وارده مبنی بر مادر بودن صاحب رحم به مواردی انصراف دارد که رحم زن یکی از دو رکن تشکیل‌دهنده جنین است و نطفه به وسیله تخمکی که توسط همین رحم تولید می‌شود تشکیل شده باشد و در بحث ما که رحم، تولیدکننده و تشکیل‌دهنده جنین نیست، بلکه جنین تنها در رحم پرورش یافته و نوزاد از او متولد شده است احتیاطاً مادر تلقی خواهد شد و هر دو مادر واقعی و نسبی هستند [23, 24].

این دیدگاه نیز قابل خدشه است، زیرا از مشکلات قائل شدن به این

تخمک زن اهداکننده و اسپرم شوهر خانواده اهداگیرنده صورت می‌گیرد و به رحم زن اهداگیرنده انتقال می‌یابد. این امر علاوه بر مشکلات ناشی از حکم تکلیفی، از نظر احکام وضعی نیز می‌تواند مشکلات فراوانی ایجاد کند که از مهم‌ترین مشکلات آن، نسبت کودک متولد شده از طریق دخالت عامل بیگانه است.

در این روش صرف نظر از بحث حرمت و عدم حرمت تلقیح در صورت نامحرم بودن زن اهداکننده تخمک و شوهر خانواده اهداگیرنده، اگر کودکی در نتیجه اهدای تخمک متولد شود باید دید از نظر نسب مادری کدام زن مادر او محسوب می‌شود، زیرا از نظر پیوستگی با دو زن در ارتباط خواهد بود؛ یکی مادر بیولوژیک که همان اهداکننده تخمک است و دیگری صاحب رحم که کودک را در رحم خویش پروراند و او را به دنیا آورده است که در این صورت در خصوص مادر این اختلاف به وجود می‌آید که زن صاحب تخمک مادر کودک محسوب می‌شود یا زن صاحب رحم؟ زیرا مادر برخلاف پدر که فقط از طریق ژنتیک و بیولوژیک با فرزند خویش رابطه طبیعی و خونی دارد، هم از نظر بیولوژیک یعنی از راه تخمک و هم از نظر فیزیولوژیک یعنی از راه نگه‌داری کودک در رحم خود، با فرزند خویش رابطه طبیعی دارد. به همین جهت در انتساب فرزند به مادر دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است:

برخی مادر بودن صاحب رحم را مقدم نموده‌اند، زیرا بر این عقیده‌اند که در زمان نزول آیات و صدور روایات، رحم زن را ظرف رشد جنین می‌پنداشتند و مبنای تعیین مادر، فرد متحمل زایمان بود و اسلام فقط نقش امضایی دارد نه تاسیسی. بهترین دلیل این گروه برای اثبات ادعای خویش تبادر عرفی- لغوی واژه مادر (ام) است؛ یعنی هرگاه زنی کودکی را به دنیا بیاورد مادر کودک خوانده می‌شود و کودک زاییده شده نیز فرزند او نامیده می‌شود [14]. اینان شاهد بر این مدعا را هم کاربردهای قرآنی واژه مادر می‌دانند، زیرا قرآن در آیات خویش به سه نکته اشاره نموده است: "يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ" (سوره زمر، آیه ۶)، "إِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ" (سوره نجم، آیه ۳۲)، "...حَمَلْتُهُ أُمَّةً..." (سوره احقاف، آیه ۱۵)، "وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ" (سوره نحل، آیه ۷۸)، "...إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ..." (سوره مجادله، آیه ۲). در این آیات خداوند متعال فرموده است که کودک در رحم مادر به وجود می‌آید و مادر مسئول بارداری اوست و تنها کسی که کودک را زایمان می‌کند مادر است. بنابراین با استناد به این آیات و آیات مشابه دیگری از قرآن مجید نتیجه می‌گیرند که صاحب رحم، مادر کودک محسوب می‌شود. آیت‌الله /راکی در این خصوص گفته است: نطفه زن صاحب تخمک معد بوده برای زن صاحب رحم که این دومی جزء اخیر علت تامه به دنیا آمدن بچه بوده است. پس اولاد ملحق به زن دومی یعنی زن صاحب رحم می‌شود [15]. آیت‌الله خوئی نیز چنین نظری دارد و زنی که کودک را حمل کرده و سپس او را زاییده است را مادر کودک به شمار می‌آورد: مادر کسی است که منی مرد در رحم او کاشته می‌شود و کودک را به دنیا می‌آورد. همان طور که خداوند تعالی فرموده است: "الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي

حساب آید. این دلیل منطقی‌تر به نظر می‌رسد، زیرا تکوین طفل از تخمک و اسپرم است. پس زنی که صاحب تخمک است مادر نسبی و زنی که صاحب رحم است در حکم مادر رضاعی کودک محسوب می‌شود. از قائلین به این دیدگاه *آیت‌الله مکارم شیرازی* است؛ اما قانون ایران در این مورد سکوت کرده و به همین دلیل طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی می‌توان به فتاوی مراجع تقلید استناد کرد.

معیار مادری در انسان حاصل از اهدای جنین

روش دیگر فرزنددارشدن به‌وسیله اهدای جنین صورت می‌گیرد. بدین صورت که سلول‌های جنسی زن و مردی اهداکننده جنین که زوج شرعی هستند را می‌گیرند و در محیط آزمایشگاه تلقیح می‌کنند و پس از این که جنین تشکیل یافت، با استفاده از امکانات پزشکی به رحم زن متقاضی فرزند انتقال می‌دهند.

در مورد جواز یا عدم جواز اهدای جنین، فقها به سه دسته تقسیم می‌شوند: عده‌ای معتقدند که اهدای جنین مطلقاً حرام است، چه میان صاحب تخمک و اسپرم رابطه زوجیت برقرار باشد یا نباشد. گروهی دیگر بر این باورند که اهدای جنین در هر صورت جایز است و گروه سوم عقیده دارند که چنانچه بین زن و مرد صاحب تخمک و اسپرم رابطه زوجیت باشد این اهدا، جایز است و گرنه حرام خواهد بود. هر کدام از گروه‌ها استدلال خویش را دارند. علاوه بر اختلاف در جواز و عدم جواز اهدای جنین، مشکل اختلاط انساب در این مساله نیز مطرح است. مجال پرداختن به جواز و عدم جواز اهدای جنین در این نوشتار اندک، نیست و فقط در این موارد بحث ما بر سر این مساله است که مادر فرزند، کدام یک از زن‌هاست؟

دلایل در این نوع تکنولوژی، همانند روش اهدای تخمک، بیان شده که برخی با استدلال به قرآن و روایات اهداکننده را مادر واقعی کودک می‌دانند و برخی گیرنده را و بعضی از فقها نیز هر دو را مادر واقعی می‌شمارند. دلایل و استدلال‌ها نیز به همان شیوه است. بیان شد که قرآن کریم در آیه ۲ سوره مجادله به‌صراحت مادر را کسی دانسته که طفل از او متولد می‌شود و فرموده که مادرانشان کسانی هستند که آنها را متولد کرده‌اند. در مقابل، در آیاتی دیگر با تمجید از سختی‌هایی که مادر در جریان وضع حمل متحمل می‌شود لفظ "ام" را برای حامل به کار می‌برد؛ مانند آیه ۱۴ سوره لقمان: "...حَمَلْتُهُ أُمَّهُ..." و آیه ۱۵ سوره احقاف: "...حَمَلْتُهُ أُمَّهُ...". در آیه ۶ سوره زمر نیز سخن از خلقت انسان در بطن مادرش به میان آمده که ظهور در مادری زن اهداگیرنده دارد: "...يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ...". برای مادر بودن صاحب رحم به برخی از روایات نیز استناد می‌کنند؛ به‌طور مثال در روایتی از امام‌صادق^(ع) پرسیده شد آیا با ده بار شیردادن، حرمت ایجاد می‌شود؟ امام^(ع) فرمودند: نه‌خیر؛ زیرا ده بار شیردادن گوشت را نمی‌رویاند و استخوان را محکم نمی‌کند. این روایات و دیگر روایاتی از این قبیل، علت محرمیت در شیردادن را رویش گوشت، افزایش خون و استحکام استخوان کودک می‌دانند. به همین دلیل گفته‌اند که از باب قیاس منصوص‌العله می‌توان گفت که علت محرمیت و مادر بودن که همان محکم‌شدن استخوان و

نظریه، مساله توارث و مشکلات ناشی از آن است. همچنین زمانی که به‌طور مثال زنی که امکان باروری به‌طور طبیعی ندارد و به‌ناچار تخمک خواهر خود را به قصد باردارشدن مورد استفاده قرار می‌دهد و از این طریق صاحب فرزند می‌شود، در صورت پذیرش نظریه دومادری در مثال یادشده هر دوی ایشان به‌طور همزمان مادر و خاله کودک محسوب خواهند شد که این امر با فقه و حقوق تعارض خواهد داشت^[25].

دیدگاه چهارمی که از سوی برخی ارایه شده این است که هیچ یک از صاحب تخمک و صاحب رحم مادر نیستند و رابطه مادر و فرزندی میان هیچ کدام از زن‌ها و طفل برقرار نمی‌شود، زیرا مادر به کسی گفته می‌شود که فرزند از خون، ژن و تخمک او به وجود آمده و در رحم او رشد یافته باشد، در حالی که در هیچ یک از این زن‌ها این دو خصیصه جمع نشده است و هیچ کدام به‌طور یک‌جا تخمک و رحم را در اختیار کودک قرار نداده است. پس اطلاق عنوان مادر بر چنین زنی صادق نیست؛ یعنی اصل جنین از تخمک یک زن است و در این صورت چطور می‌توان زن صاحب رحم را مادر تلقی نمود؟ ضمن این که برخی روایات نیز به اهمیت تخمک و نطفه مادر دلالت دارند؛ مانند روایت: "اختارو لنطفکم فان الخال احد الضجیعین"^[26] که شباهت فرزند به دایی را ناشی از نطفه مادری او می‌داند. بنابراین زنی که کودک از تخمک او نیست نمی‌تواند مادر تلقی شود. از طرفی مادر باید صاحب رحم هم باشد و اگر کودک از تخمک یک زن باشد ولی در رحم او رشد نکرده باشد فرزند او محسوب نمی‌شود، زیرا آیات و روایات متعدد که در دلایل نظرات قبلی ذکر شد بر مادر بودن صاحب رحم دلالت دارند و با جمع روایات و آیات گذشته با روایاتی که دلالت بر مادر بودن صاحب تخمک دارند مانند: "الولد فی بطن امه و غذاوه الدم"^[27]، این نتیجه به دست می‌آید که اگر صاحب رحم و تخمک، یکی نباشد هیچ یک از آنها مادر محسوب نمی‌شوند.

بر این دیدگاه نیز برخی ایرادات مترتب می‌شود که چگونه ممکن است فرزندی که در حال طبیعی متولد شده است مادر نداشته باشد؟ آیا پیشرفت‌های علم ژنتیک این حق را به بشر می‌دهد که فرزندی را از نعمت مادری محروم نموده یا مادری را از مادر بودن منع کند؟ پس این عقیده به‌دلیل عدم داشتن مبانی علمی و مشکلات مترتب بر آن قابل پذیرش نیست.

با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع نسب و احکام و آثاری که بر آن متفرع می‌شود، انتخاب و ترجیح یک قول، آسان به نظر نمی‌رسد. با وجود این، هم از لحاظ طبیعی و ژنتیکی و هم از لحاظ عرفی، طفل به زن صاحب تخمک ملحق است و رشد بعدی جنین در رحمی غیر از رحم صاحب تخمک، او را از وصف مادری خارج نمی‌کند. ولی نمی‌توان تعلق و وابستگی طفل به زنی را که ماه‌ها در رحم او شکل گرفته و تغذیه نموده است را هم نادیده گرفت و می‌توان او را نیز در حکم مادر رضاعی کودک دانست، چون وقتی به‌دلیل نقش کمکی شیر در رشد بدنی کودک، دایه، در حکم مادر شیرخوار محسوب می‌شود، صاحب رحم که کمک شایانی به رشد جسمانی جنین نموده است باید به طریق اولی در حکم مادر او به

رویش گوشت است در مادر صاحب رحم نیز وجود دارد پس او مادر طفل محسوب می‌شود [16, 28].

در مقابل می‌توان به آیات دیگری که بیان آن در اهدای تخمک گذشت اشاره نمود که صاحب تخمک را مادر می‌داند. به عقیده این عده، از نظر پزشکی هم منشأ پیدایش و سلول سازنده جنین از طرف مادر، تخمک است [29, 30]. در آیه ۲ سوره انسان که از جمله دلایل این گروه است، آمده است: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ تُطْفِئَةِ أَهْشَاجٍ». امشاج از مشج به معنی شیء مخلوط است و اشاره به اختلاط نطفه زن و مرد دارد [31]. آیه ۵۴ سوره فرقان نیز به وجود آمدن انسان از آب که همان نطفه است اشاره نموده است: «وَهُوَ الْأَذَى خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا...». البته برخی نیز نظریه دومادری را ترجیح داده‌اند که استدلال ایشان نیز مانند روش اهدای تخمک است که به جهت جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آن صرف نظر می‌شود.

همان گونه که در روش باروری به وسیله اهدای تخمک بیان شد و با همان استدلال‌ها و نقدها، به نظر می‌رسد در این روش نیز صاحب تخمک که جنین از آن به وجود آمده مادر واقعی و نسبی کودک محسوب می‌شود و صاحب رحم تنها نقشی همسان مادر رضاعی را دارد. بنابراین ملاک مادری، تخمک است و صاحب رحم در حکم مادر رضاعی است، زیرا رحم فقط نقش تغذیه و رشد را دارد و با توجه به طولانی و موثرتر بودن این نوع رشد و تغذیه نسبت به رشد حاصل از رضاع، به طریق اولی موجب ایجاد ارتباط محرمیت در حکم رضاعی با صاحب رحم می‌شود.

قانون‌گذار ایران نیز همین نظریه را پذیرفته و مطابق ماده یک قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲/۰۵/۱۴ مجلس شورای اسلامی، اهداکنندگان جنین باید زوج‌های قانونی و شرعی باشند و مادر واقعی همان صاحب تخمک است.

معیار مادری در انسان حاصل از رحم جایگزین

روش دیگر باروری، رحم جایگزین است و استفاده از این روش از دیگر شیوه‌های درمان ناباروری است که با گسترش دانش و فناوری پزشکی در دهه‌های اخیر توانسته مشکل ناباروری را تا حد زیادی برطرف کند. زمانی از این روش استفاده می‌شود که مرد دارای همه شرایط لازم برای فرزندآوری باشد، ولی زن به دلایل مختلف، قادر به نگه‌داری فرزند در رحم خود نیست یا تمایلی به این کار ندارد. در این شیوه باروری، تخمک مادر که قادر به حمل و زایمان فرزند خویش نیست را پس از تلقیح با اسپرم شوهر خویش، در رحم زن دیگر که نقش کمکی دارد قرار می‌دهند و زن حامل بارداری هیچ گونه ارتباط تکوینی از طریق تخمک با کودک ندارد و تنها او را در رحم خود پرورش داده و به دنیا می‌آورد و تحویل پدر و مادر کودک می‌دهد.

در این مساله نیز سئوالی که مطرح شده این است که تکون یک انسان از اسپرم مرد و تخمک زن، منشأ اعتبار رابطه نسبی است یا پرورش جنین در رحم زن و تولد از او یا هر دو منشأ اعتبار این

رابطه است؟ در پاسخ به این سئوال نیز همچون اهدای تخمک و اهدای جنین نظرات متفاوت است و گاهی صاحب تخمک ترجیح داده شده، گاهی نیز صاحب رحم و در مواردی وجود هر دو را منشأ اعتبار رابطه نسبی فرض گرفته‌اند که به دلیل مشابهت استدلال‌ها از ذکر و تکرار آن صرف نظر می‌کنیم. در این نوع درمان ناباروری نیز قانون‌گذار سکوت اختیار کرده و در نتیجه می‌توان طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مقرر می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد»، به فتوای مراجع تقلید استناد نمود.

آنچه از مباحث مطرح‌شده به دست می‌آید همان طور که در لابه‌لای بیان شیوه‌های باروری ذکر شد، این است که صاحب تخمک مادر نسبی و واقعی کودک است و صاحب رحم به دلیل عدم رابطه ژنتیکی با کودک و فقط به خاطر پرورش جنین در وجود خویش و رشد و استحکام استخوان و رویش گوشت کودک از وجود او در حکم مادر رضاعی است.

نتیجه‌گیری

مفاهیم مرتبط با نسب فاقد حقیقت شرعی هستند. برای پی‌بردن به این مفاهیم باید به اصول مسلم علم ژنتیک به عنوان عرف خاص رجوع کرد و با توجه به این مبنا، می‌توان پذیرفت که فرزند شبیه‌سازی‌شده دوقلوی کسی است که از او سلول غیرجنسی گرفته شده است و بر همین اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت که مادر صاحب سلول، مادر مشترک صاحب سلول و انسان شبیه‌سازی‌شده، محسوب می‌شود. نکته دیگر شایان ذکر این که، هر چند وجود کودک در رحم مادر است و مادر عهده‌دار بارداری و زایمان است، ولی به نظر می‌رسد آیات قرآن ناظر به عنوان مادر در روند عادی تولیدمثل است و از این رو در کودک حاصل از اهدای تخمک، هم از لحاظ طبیعی و ژنتیک و هم از لحاظ عرفی، طفل به زن صاحب تخمک ملحق است و رشد بعدی جنین در رحمی غیر از رحم صاحب تخمک، او را از وصف مادری خارج نمی‌کند و می‌توان زن اهداگیرنده را نیز در حکم مادر رضاعی کودک دانست، چون وقتی به دلیل نقش کمکی شیر در رشد بدنی کودک، دایه، در حکم مادر شیرخوار محسوب می‌شود، صاحب رحم که کمک شایانی به رشد جسمانی جنین، نموده است باید به طریق اولی در حکم مادر او به حساب آید. در مورد کودک متولد از روش اجاره رحم و نیز اهدای جنین نیز همین طور است و حتی قانون‌گذار ایران نیز در مورد شیوه اخیر، همین نظریه را پذیرفته و مطابق ماده یک قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲/۰۵/۱۴ مجلس شورای اسلامی، مادر واقعی همان صاحب تخمک است.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

- Volume 6. Beirut: Dar Al-Azva; 2000. [Arabic]
- 15- Araki MA. Treatise on explaining issues. Qom: Islamic Propagation Office; 1992. [Persian]
- 16- Mousavi Khoei SA. Way of rescue (Seraat al-nejat). Volume 1. Qom: Bargozideh Publication; 1996. [Arabic]
- 17- Ibn Manzour Mohammad ibn Mokarram. Arab language (Lisan al-arab). Volume 12. 3rd Edition. Beirut: Dar al-Fekr; 1993. [Arabic]
- 18- Joharei Esmaeil ibn Hamad. The correct in vocabulary (Al-sehaah). Beirut: Dar Al-Elm; 1984. [Arabic]
- 19- Mousavi Khomeini SR. Rewrite the book al-wasilah (Tahrir al-vasilah). Volume 2. Qom: Dar Al-Elm; 2000. [Arabic]
- 20- Shahid Sani Z. Ways of understanding (Masaalek al-afhaam). Volume 4. Qom: Islamic Studies Institute; 1993. [Arabic]
- 21- Hosseini Milani MH. Talks in Shia jurisprudence (Mohazeraton fi fiqh al-imamiyah). Mashhad: Ferdowsi University; 1976. [Arabic]
- 22- Fazel Lankaraani M. Details of Sharia-marriage (Tafsil al-shariat-nikaah). Qom: Islamic jurisprudential center of the Imams; 2000. [Arabic]
- 23- Bahraani MS. Jurisprudence of medicine and monetary inflation (Fiqh al-tibb va al-tazakhom al-naghd). Beirut: Om Al-Qora Institute; 2003. [Arabic]
- 24- Rezanian Moalem MR. Medical fertilities from the point of view of jurisprudence and law. 1st Edition. Qom: Boostan-e-Ketab; 2004. [Persian]
- 25- Safiri A, Taherkhani F. Maternal family of a child born of embryo donation in Iranian law. Judiciary Law J. 2009;73(68):137-57. [Persian]
- 26- Makarem Shirazi N. Marriage book (Kitaab al-nikaah). Volume 1. Qom: Imam Ali's Religious School; 2003. [Arabic]
- 27- Koleini Mohammad ibn Yaghoob. The enough (Al-kaafi). Volume 3. 4th Edition. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah; 1986. [Arabic]
- 28- Ghandeharei MA. Jurisprudence and medical issues (Al-fiqh va masayil tibiyah). Volume 1. Qom: Islamic Propagation Office; 2003. [Arabic]
- 29- Montazeri Najafabadi HA. Medical religious provisions. 3rd Edition. Qom: Sayeh Publishing; 2006. [Persian]
- 30- Makarem Shirazi N. Shari'a tricks and correct solutions. 2nd Edition. Qom: Imam Ali's Religious School; 2007. [Persian]
- 31- Sheikh Tousi Mohammad ibn Hasan. Expanded description in Shi'a jurisprudence (Al-Mabsut fi fiqh al-Imamiyah). Volume 2. 3rd Edition. Tehran: Mortazavi Bookstore; 1967. [Arabic]

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

تعارض منافع: نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: احمد مرتضی (نویسنده اول)، نگارنده مقاله/پژوهشگر اصلی (۵۰٪)؛ رقیه قاسمی (نویسنده دوم) نگارنده مقاله، روش‌شناس/پژوهشگر اصلی (۵۰٪)

منابع مالی: پژوهش حاضر تحت حمایت مالی منبع خاصی نبوده است.

منابع

- 1- Hor Ameli M. Shi'a methods (Wasael al-Shi'a). Volume 17. Qom: Institute of Aal al-Bayt; 1993. [Arabic]
- 2- Eslami SH. Human simulation of the Shia perspective. J Jurisprudence. 2005;12(44):3-66. [Persian]
- 3- Tabrizi J. Way of rescue (Seraat al-nejat). Volume 9. 1st Edition. Qom: Dar Al-Sedighah; 2006. [Arabic]
- 4- Haeri Hosseini SK. Selected views (Al-fatava al-montakhabah). Volume 2. 4th Edition. Qom: Dar al-Tafsir; 2003. [Arabic]
- 5- Hosseini Shirazi SS. Medical issues (Al-masael al-tebbiyah). Qom: Yas al-Zahra Publications; 2007. [Arabic]
- 6- Makarem Shirazi N. Lights of jurisprudence (Anvaar al-fiqahat). Volume 1. Qom: Imam Ali's Religious School; 2004. [Arabic]
- 7- Javaheri H. Embryo division and simulation. J Fiqh. 2006;13(47):81-108. [Persian]
- 8- Najafi MH. Jewellery remarks (Jawaher al-kalam). Volume 22. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabe; 1983. [Arabic]
- 9- Shahid Sani Z. Beautiful garden (Al-rouzah al-bahiyah). Volume 3. 1st Edition. Qom: Daavari Bookstore; 1989. [Arabic]
- 10- Izadi Fard A. Jurisprudential review of relation status in human simulation. Comp Law Res. 2010;14(2):29-55. [Persian]
- 11- Taskhiri MA. A look at the subject of human simulation with the help of new technology. J Fiqh Ahl al-Bayt. 2007;13(52):52-70. [Persian]
- 12- Makarem Shirazi N. New questions. Volume 2. 6th Edition. Qom: Imam Ali's Religious School; 2010. [Persian]
- 13- Sadeghi M. Human cloning, divine religious authorities point of views and Islamic jurisprudence. Comp Law Res. 2004;8(3):35-60. [Persian]
- 14- Sadr SM. Beyond jurisprudence (Maa wara' al-fiqh).